



کار در نظام اقتصادی

انسان‌هایی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، به کمک یکدیگر نیازهای مادی و معنوی خود را رفع می‌نمایند. برای این که هر کدام از ما بتوانیم در این همکاری عمومی مسئولیت خود را به درستی انجام دهیم، لازم است درباره‌ی سؤال‌های زیر فکر کنیم و پاسخ آن‌ها را به دست آوریم و سپس برای آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم:

- ۱- آیا انسان می‌تواند از هر راهی کسب درآمد کند؟
- ۲- درآمدهای به دست آمده چگونه باید مورد استفاده قرار گیرد؟
- ۳- افراد جامعه نسبت به هزینه‌های عمومی و بهبود زندگی مستمندان چه وظیفه‌ای دارند؟

آیات شریفه ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ

.....

لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ

.....

وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا

و کارکنان گردآوری آن

وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ

و متمایل ساختن دل های غیرمسلمانان

وَفِي الرِّقَابِ

و آزاد کردن بردگان

وَالْغَارِمِينَ

و (پرداخت قرض) بدهکاران

وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ

.....

وَابْنِ السَّبِيلِ

.....

فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ

.....

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

.....

توبه، ۶۰

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ

و بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید

.....

فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ،

.....

وَلِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ

.....

وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ

وَإِنَّ السَّبِيلَ

انفال، ۴۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اتَّقُوا اللَّهَ

وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا

آن چه را از ربا باقی می ماند، رها کنید؛

إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

فَإِنَّ لَمْ تَفْعَلُوا

فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ بِأَعْلَانِ جَنْغٍ دَهِيدٍ.

و اگر توبه کنید

وَإِنْ تُبْتِئُمْ

سرمایه هایتان از آن خودتان

فَلَکُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِکُمْ

لَا تُظْلَمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ

بقره ۲۷۸ و ۲۷۹



به کمک عبارات زیر، ترجمه ی آیات را تکمیل کنید.

ابن السبیل : در راه مانده

صَدَقَات : جمع صدقه، در این آیه به معنی زکات

ذی القربی : فقیران خویشاوند پیامبر

فَرِيضَةٌ : واجب

لَا تُظْلَمُونَ : نه ستم ببینید، به شما ظلم نمی شود

خُمْس : یک پنجم

کار، منشأ اصلی تولید ثروت

در بینش و تفکر اسلامی، کار خلاق و مولد، منشأ اصلی کسب مال و درآمد و کلید استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است.^۱ منطق فطرت هم برای پدید آورنده‌ی یک شیء حق تصرف در آن را می‌پذیرد و او را مالک می‌شناسد. به همین جهت، مالک اصلی و حقیقی همه‌ی موجودات خداست. رسول خدا(ص) می‌فرماید:

هر کس به آباد کردن زمینی که بی‌استفاده است پردازد و شخص دیگری در این کار بر او سبقت نگرفته باشد، آن زمین از آن او خواهد بود.^۲

بنابراین، کار، باید مولد و خلاق باشد و نتیجه‌ی سودمندی داشته باشد تا بتوان نام «کار» بر آن گذاشت، در غیر این صورت کاری کاذب و دروغین است. یکی از بدترین بلاها برای هر جامعه روی آوردن به کارهای کاذب و دوری از کار مفید و مولد است، امری که پیشوایان ما به صراحت آن را منع کرده‌اند.



در آیات ابتدای درس بیندیشید و پاسخ سؤال‌های زیر را به دست آورید.

ردیف	پیام	سوره / آیه
۱	کسب درآمد از کدام راه حرام است؟
۲	کسب درآمد از این راه مساوی با چه کاری است؟
۳	اگر کسی بخواهد توبه کند و از این راه برگردد، باید چه کار کند؟

ربا، کاذب‌ترین کارها

چرا قرآن کریم با چنین شدت و سختی با کسب درآمد از طریق ربا مبارزه کرده است؟ علت آن

۱- اقتصاد اسلامی، شهید دکتر بهشتی، صص ۱۹ و ۲۰

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۲۶

را بررسی می‌کنیم :

پول وسیله‌ای برای مبادله‌ی کالا است. اگر این پول، خودش مستقلاً مورد معامله قرار گیرد، بدون این که فایده‌ای در کار باشد، ربا پیش می‌آید. برخی اشخاص مقداری پول را نزد خود انباشته می‌کنند و آن را به کسانی که نیاز دارند، قرض می‌دهند و بدون این که کاری انجام دهند یا در کار آن‌ها شریک شوند و خطر احتمالی را بپذیرند، با وام‌گیرنده شرط می‌کنند که پول بیش‌تری بازگرداند. این عمل سبب می‌شود کسانی بدون فعالیت و کار به ثروت‌های زیادی برسند و پول که باید در جامعه گردش داشته باشد، در دست عده‌ای خاص متمرکز شود. گروهی هم که ناچار می‌شوند از چنین کسانی پول بگیرند، روز به روز فقیرتر می‌گردند؛ زیرا اینان ناچارند علاوه بر پولی که قرض گرفته‌اند، درصد زیادی نیز که قرض دهنده درخواست کرده، بپردازند. ادامه‌ی این کار سبب می‌شود که نیازمندان جامعه نیازمندتر و رباخواران حریص‌تر و ثروتمندتر شوند و طبقه‌ای استثمارگر در جامعه پدید آید. امروزه، سرمایه‌داران بزرگ جهان وام‌هایی با بهره‌های سنگین به کشورهای فقیر و نیازمند می‌دهند و چون آن کشورها توان پرداخت پیدا نمی‌کنند، ناچار می‌شوند معادن و ثروت‌های طبیعی خود را در اختیار آن سرمایه‌داران قرار دهند. به همین سبب جهان به دو قطب غنی و فقیر، ثروتمند و گرسنه، مسلط و زیر سلطه تقسیم شده است.

در عصر رسول خدا (ص) مردم عربستان به «ربا» آلوده بودند؛ تا این که از جانب خداوند دستور آمد این عمل را ترک کنند و به جنگ با خدا و رسول او (ص) نپردازند.

مشارکت کار و سرمایه

اکنون این سؤال پیش می‌آید که اگر کسی پول و ثروتی داشت، چگونه از ثروت خود درآمدی کسب کند؟

در پاسخ می‌گوییم: در هر فعالیت اقتصادی، دو عامل دخالت دارد: سرمایه و کار. با سرمایه و کار نوعی مشارکت اقتصادی به وجود می‌آید و سودی که نتیجه‌ی این فعالیت است، بنابر توافق قبلی، میان صاحب سرمایه و انجام‌دهنده‌ی کار تقسیم می‌شود.

برنامه‌ی اسلام در مورد ثروت و سرمایه، به کار گرفتن آن در تولید و سازندگی و توسعه و رفع فاصله‌ی طبقاتی و فقر است. آنان که ثروت اندوخته دارند، شایسته است آن را در بستر تولید و حیات اقتصادی به کار گیرند یا با کسانی که نیازمند سرمایه‌اند، شریک شوند، یا به صورت قرض‌الحسنه به نیازمندان بدهند تا بتوانند به کار و تولید بپردازند.

سرمایه باید مانند خون در رگ‌های اقتصادی جامعه جریان داشته باشد و با گردش خود حیات جامعه را تأمین کند و عدالت اقتصادی را ممکن سازد.

وقتی سرمایه‌ی افراد با کار مهندسان، کشاورزان، کارگران، محققان، معلمان و استادان همراه شود، چرخ تولید به راه می‌افتد و ثروتی که از این راه به دست می‌آید باید براساس توافق قبلی و به عدالت میان صاحبان سرمایه و کار تقسیم شود. یکی از راه‌های برقراری عدالت، توزیع عادلانه‌ی سود حاصل از فعالیت اقتصادی میان دارندگان کار و سرمایه است. سودی که از این راه به صاحب سرمایه می‌رسد، نه تنها حلال و پاک است بلکه اگر با نیت الهی باشد، اجر و ثواب اخروی هم خواهد داشت.

بانکداری

در نظام اسلامی، بانک کانون مشارکت کار و سرمایه است. صاحبان پول و سرمایه، ثروت خود را بدان جا می‌سپارند تا در یک فعالیت اقتصادی مانند راه‌اندازی کارخانه، بناکردن ساختمان، آباد کردن زمین کشاورزی و تأسیس مراکز علمی و پژوهشی به کار گرفته شود و سود حاصل میان بانک، صاحب سرمایه و صاحب فعالیت تقسیم می‌شود. همچنین بانک به عنوان صاحب سرمایه با افراد جامعه وارد مشارکت می‌شود و سرمایه‌ی خود را به صورت وام در اختیار آنان می‌گذارد و طی قراردادی با آنان در کار مشخصی مشارکت می‌کند. سرمایه‌ی بانک و کار افراد دست به دست هم می‌دهد و فعالیت اقتصادی شکل می‌گیرد. بانک سهم خود را به شخص وام‌گیرنده می‌فروشد و بهای آن را به صورت ماهانه دریافت می‌کند تا وام‌گیرنده توان پرداخت آن را داشته باشد.

بنابراین، بانکداری در نظام اسلامی راهی برای مشارکت کار و سرمایه است. آنچه اهمیت دارد این است که بانک‌ها سود حاصل از مشارکت خود را عادلانه تعیین کنند تا افراد جامعه توانایی همکاری سازنده با بانک را داشته باشند. روشن است اگر بانک‌ها بخش بیشتری از سود به دست آمده را بردارند، روش عادلانه‌ای را پیش نگرفته‌اند.

قانون بانکداری که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و مبنای عمل بانک‌هاست، براساس مشارکت سرمایه و کار استوار است و از این جهت با مقررات مالی اسلام مطابقت دارد.

تأمین نیازهای عمومی جامعه

مسئله‌ی قابل طرح در این جا این است که: اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی هزینه‌هایی دارد که باید

تأمین شود. آیا اسلام برای این قبیل هزینه‌ها راه‌هایی را پیش‌بینی کرده است؟
پاسخ این سؤال را با مراجعه به آیات درس به دست می‌آوریم.



با تفکر در آیات ابتدای درس، پیام‌های زیر را تکمیل کنید تا به پاسخ سؤال بالا برسید.

سوره/ آیه	پیام	ردیف
.....	یکی از راه‌های تأمین هزینه‌های جامعه، می‌باشد.	۱
.....	درآمد به دست آمده از این راه باید برای	۲
..... و مصرف شود.	
.....	راه دیگر تأمین هزینه‌های جامعه، می‌باشد.	۳
..... است که پس از مصرف هزینه‌های معمول زندگی، اضافه آمده و باقی مانده است.	۴

علاوه بر این آیات، آیات دیگری نیز از قرآن کریم به همراه سخنان پیشوایان معصوم ما شیوه‌های برطرف کردن نیازهای اقتصادی جامعه را مشخص کرده‌اند که جمع‌بندی آن‌ها به شرح زیر است:
نیازهای جامعه‌ی اسلامی از دو راه تأمین می‌شود:

الف - انفاق

هزینه‌های ناشی از خلأها و شکاف‌های موجود در جامعه مانند هزینه‌های مربوط به تأمین زندگی نیازمندان، مساکین، انسان‌های از کار افتاده، خانواده‌های بی‌سرپرست، تحصیل‌طلبان، دانش‌آموزان و دانشجویانی که از تمکن کافی برخوردار نیستند، افراد مقروضی که توان پرداخت قرض خود را ندارند، از راه انفاق است. افرادی که از نعمت سلامتی و تمکن مالی برخوردارند، بخشی از اموال و سرمایه‌ی خود را به شکرانه‌ی سلامتی و رفاه شخصی در راه خدا صرف امور خیریه و عام‌المنفعه می‌کنند.



همکاری و مشارکت در امور خیریه و تأمین هزینه‌های آن را بررسی کنید و به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

- ۱- این مشارکت چه آثاری بر انسان کمک‌کننده دارد؟
- ۲- این مشارکت چه تأثیری بر فرهنگ عمومی جامعه می‌گذارد؟

.....

.....

.....

انفاق بر دو نوع است: واجب و مستحب.

انفاق واجب نیز به دو صورت «زکات» و «خمس» انجام می‌گیرد.

۱- **زکات**: قرآن کریم در بسیاری موارد، پس از برپا داشتن نماز بر پرداخت زکات تأکید کرده

است.^۱

زکات یک انفاق واجب است که به برخی از اموال تعلق می‌گیرد. این اموال عبارت‌اند از:

۱- **غلات**: گندم، جو، خرما و کشمش

۲- **دام‌ها**: شتر، گاو و گوسفند

۳- **سگه‌ها**: طلا و نقره.

حدّ نصاب در زکات: زکات اموال مذکور در صورتی واجب است که مورد زکات به حد معین

یا تعداد معین برسد. هر یک از این اموال نه‌گانه حدّ نصاب خاصی دارند. باید توجه داشت که:

الف: زکات، یک عبادت است و لازم است به نیت زکات و با قصد قربت انجام شود.

ب: زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سگه‌ای باشد که معامله‌ی با آن رواج

دارد؛ بنابراین، زیورآلات خانم‌ها زکات ندارد.

زکات فطره

در پایان ماه رمضان که عید فطر فرا می‌رسد و همه در شادی به سر می‌برند، خداوند، برای

کمک به محرومان و مستمندان جامعه زکات فطره را واجب کرده است و احکام آن به شرح زیر

۱- مانند آیات ۸۳ و ۱۱۰ سوره‌ی بقره

است :

الف - کسی که موقع غروب شب عید فطر بالغ و عاقل و هشیار است و فقیر نیست باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، هر نفر به میزان تقریبی ۳ کیلوگرم گندم یا جو یا خرما یا برنج و مانند این‌ها به مستحق بدهد. اگر پول یکی از این‌ها را هم بدهد، کافی است.

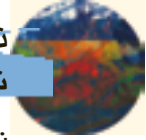
ب - کسی که دیگری باید فطره‌ی او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.

ج - کسی که نمی‌تواند مخارج سال خود و خانواده‌اش را تأمین کند و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و خانواده‌اش را پرداخت کند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.

د - انسان باید زکات فطره را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند بپردازد و موقع پرداختن نیت زکات فطره نماید.

۲ - **خمس** : خمس یکی از راه‌های تأمین نیازهای جامعه است که به هفت چیز تعلق می‌گیرد و رایج‌ترین آن‌ها منفعت کسب و کار است. همه‌ی کسانی که از طریق کار، درآمدی کسب می‌کنند، پس از صرف هزینه‌های سالانه‌ی زندگی خود و خانواده، باید $\frac{1}{5}$ آنچه را باقی مانده، به عنوان خمس بپردازند.

حساب سال : حتماً شنیده‌اید که می‌گویند هر کس باید برای پرداخت خمس، حساب سال داشته باشد. داشتن حساب سال به این معناست که هر کس باید یک روز از سال را روز تعیین میزان خمس اموال خود قرار دهد تا ببیند که آیا پرداخت خمس برعهده‌ی او هست یا نه. چنین شخصی در طول سال درآمدهایی به دست می‌آورد و از این درآمد، مخارج زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین می‌کند. پس از گذشت یک سال، وقتی به روز موعود رسید، اگر از درآمد او چیزی باقی مانده باشد - چه به صورت پول و چه به صورت کالا - باید $\frac{1}{5}$ آن را به عنوان خمس به حاکم اسلام و یا مجتهد جامع الشرایط پرداخت کند تا ایشان در راه‌هایی که قرآن کریم و رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) معین کرده‌اند، به مصرف برساند.



نحوه‌ی پرداخت خمس یک خانم پرستار که ماهانه حقوق می‌گیرد، یک مغازه‌دار و یک دانش‌آموز چگونه است؟ برای هر کدام مثالی بنویسید.

باید توجه داشت که :

۱- تا خمس مال پرداخت نشود، استفاده از آن جایز نیست؛ مثلاً با پولی که خمس آن پرداخت نشده، نمی‌توان چیزی خرید.

۲- اگر با پولی که خمس آن داده نشده است، خانه‌ای خریداری شود، نماز خواندن در آن خانه باطل است.

۳- آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف در خانه خریده شده است - مانند برنج، روغن و چای - اگر در آخر سال زیاد بیاید باید خمس آنچه باقی مانده است، پرداخت شود.

۴- زیورآلات خانم‌ها، اگر بیش از مقدار مصرفی متداول آن‌ها باشد و جنبه‌ی ذخیره به خود بگیرد، قسمت اضافی آن دارای خمس است و خمس آن باید پرداخت شود.

۵- اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند، یک پنجم آن چیز مال او نمی‌شود.

۶- اگر بچه‌ای سرمایه‌ای داشته باشد و از آن منفعی به دست آید، بنا بر احتیاط واجب بعد از آن که بالغ شد باید خمس آن را بدهد.

ب - مالیات

تشکیل جوامع کوچک و بزرگ، مانند روستاها، شهرها و کشورها هزینه‌هایی به دنبال دارد که باید توسط افراد همان جامعه تأمین شود. امروزه یک شهر مانند خانه‌ای بزرگ است و همان‌گونه که یک خانواده، هزینه‌های رفاهی خود در خانه را می‌پردازد، باید هزینه‌های رفاهی خود در شهر را نیز پرداخت کند. پس تأمین هزینه‌های شهری برعهده‌ی همه‌ی شهروندان است.

علاوه بر هزینه‌های یک شهر، هزینه‌هایی وجود دارد که مربوط به زندگی در یک کشور است. ساخت راه‌های میان شهرها و روستاها، محافظت از جنگل‌ها و محیط‌های طبیعی، ایجاد امنیت و مانند این‌ها هزینه‌هایی دارد که افراد کشور باید در تأمین آن مشارکت کنند.

پرداخت مالیات برای تأمین این‌گونه هزینه‌ها است. مالیات پولی نیست که برای دیگران پرداخت می‌کنیم، بلکه بابت هزینه‌ی زندگی خود و خانواده‌ی خودمان در جامعه است؛ از این‌رو پرداخت‌کننده‌های

مالیات نباید متنی بر کسی داشته باشند.



زکات و خمس با مالیات چه تفاوتی دارند؟ آیا می‌توان گفت که چون خمس و زکات می‌دهیم، نیازی به پرداخت مالیات نیست؟

.....

.....

.....

نظام اسلامی وظیفه دارد خمس، زکات و مالیات را با روش مناسب و با حفظ حرمت شخص پرداخت کننده، از او دریافت کند و هر کدام را در جای خاص خود هزینه نماید و در آبادانی و سازندگی کشور بکوشد. امام علی(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر که از جانب ایشان حاکم مصر شده بود، چنین می‌نویسد:

برنامه‌ی مالیات را به گونه‌ای رسیدگی کن که به صلاح مالیات‌دهندگان باشد، زیرا بهبودی و صلاح دیگران در صلاح مالیات و مالیات‌دهندگان است، و کار دیگران سامان نیابد مگر آن که کار مالیات‌دهندگان سامان پذیرد، چرا که همه‌ی مردم جیره‌خوار مالیات و مالیات‌دهندگان هستند. اما باید بیش از آنچه به جمع مالیات بیندیشی، در فکر آبادی زمین باشی، زیرا مالیات جز از طریق آباد کردن زمین به دست نیاید، و هر کس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب کند، شهرها را ویران و بندگان را هلاک سازد، و حکومتش جز اندک زمانی پایدار نماند.^۱

۱- نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳؛ همچنین برای کسب آگاهی بیشتر در مورد خراج و نحوه‌ی گرفتن آن به نامه‌های ۵۱ و ۶۰ نیز مراجعه

۱- فروختن مال غصبی باطل است و فروشنده باید پولی را که از خریدار گرفته به او برگرداند.

۲- غش در معامله حرام است و فروشنده باید کالای خود را با همان مشخصاتی که برای خریدار بیان می‌کند، به او بفروشد.

۳- کسب درآمد از راه قمار، ربا، رشوه، قحاق، احتکار، همکاری با مراکز فساد، کلاه برداری، تولید و خرید و فروش مواد مخدر و مانند آن حرام است.

۴- هر نوع بازی که به شرط برد و باخت و گرفتن مال از طرف بازنده باشد حرام است. مثلاً اگر در بازی فوتبال، برد و باخت در میان باشد حرام است و پول یا کالایی که از این طریق به دست می‌آید قابل استفاده نیست. البته در شرع مواردی از قبیل تیراندازی استثنا شده که برد و باخت در آن‌ها اشکال ندارد.

۵- اشتغال به غنا و موسیقی مطرب و شنیدن آن و معامله با آن و یاد دادن و یاد گرفتن آن حرام است و درآمد آن قابل استفاده نیست. غنا و موسیقی مطرب آن نوع آواز و موسیقی است که مناسب با مجالس عیش و عشرت و فساد است. گوش دادن به آوازی که غنا نباشد و نیز موسیقی غیر مطرب اشکال ندارد.

۶- بازی کردن با شطرنج، در صورتی که اولاً طرفین قصد شرط بندی و برد و باخت نداشته باشند، ثانیاً جامعه آن را جزو آلات قمار نشناسد، اشکال ندارد و در این صورت خرید و فروش آن نیز جایز است. تشخیص این که آیا جامعه شطرنج را جزو وسایل قمار می‌شناسد یا نه، بر عهده‌ی خود افراد است. بازی کردن با وسایلی که در جامعه به عنوان آلات قمار شناخته می‌شود، حتی اگر برد و باختی هم در کار نباشد، حرام است.

۷- اگر مال حلال با حرام به طوری مخلوط شود که انسان نتواند آن‌ها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب اصلی مال حرام و مقدار آن هم معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه‌ی مال حلال می‌شود. بنابر احتیاط واجب باید خمس این گونه مال‌ها از همان مال داده شود.

۸- اگر انسان چیزی را غصب کند باید به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را بدهد.

۹- استفاده شخصی از اموال دولتی، برخلاف مقررات است و استفاده کننده ضامن برگرداندن آن می‌باشد و الا مرتکب گناه شده است.

۱۰- اگر انسان مالی پیدا کند که نشانه‌ای نداشته باشد که به واسطه‌ی آن بتوان صاحبش را پیدا کرد، احتیاط واجب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.

۱۱- هرگاه چیزی را که پیدا کرده نشانه‌ای دارد که بتوان با آن صاحبش را پیدا کرد، باید به صورت مناسبی آن را اعلام کند و اگر چنین نکرد، گذشته از این که مرتکب گناه شده، ضامن آن است.

توجه : کسب درآمد از راه حرام و ارتزاق خود و خانواده از آن، آثار بسیار خطرناک در دنیا و آخرت دارد. انجام عباداتی مانند نماز با لباس و در مکانی که از راه حرام تهیه شده باطل است و مورد قبول نیست. تربیت و رشد اخلاقی فرزندان که از درآمد حرام تغذیه می‌کنند بسیار مشکل و سخت است؛ به خصوص که اگر این درآمد حرام از دسترنج فقرا، یتیمان و مردم محروم جامعه به دست آمده باشد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود :

«کسی که باک نداشته باشد که مال خود را از کجا به دست آورد، خدا هم باک ندارد که او را از کجا وارد دوزخ کند.»^۱

و فرمود :

«هر کس مالی را از راه حرام به دست آورد، اگر آن را صدقه دهد، از او قبول نمی‌شود و اگر بعد از خود باقی گذارد، توشه‌ی راه جهنم او می‌شود.»^۲

۱- احیاء العلوم، غزالی، ج ۲، ص ۸۱

۲- کافی، کتاب تجارت، باب ۱، حدیث ۱

گام هشتم



- ۱- زندگی خود را به گونه‌ای سامان خواهم داد که انسانی مفید و مؤثر برای جامعه باشم و با کار و تلاش مداوم مسئولیت خود را نسبت به جامعه انجام دهم.
- ۲- سعی می‌کنم بخشی از درآمد خود را در راه خدا و برای کمک به دیگران انفاق نمایم و اگر انفاق واجب بر عهده‌ام بود، به موقع پرداخت کنم.
- ۳- با پرداخت مالیات سهم خود را در هزینه‌های عمومی می‌پردازم و از این راه به رفاه عمومی و رفاه خانواده‌ی خود کمک می‌کنم.



- ۱- با این که با پرداخت انفاق بخشی از مال انسان کم می‌شود، چرا خداوند همین کار را موجب افزایش ثروت می‌شمارد؟
- ۲- آیات ۱۸ سوره‌ی حدید، ۱۲ سوره‌ی مائده و ۱۷ سوره‌ی تغابن را مطالعه کنید و توضیح دهید :
- الف - چرا قرض بدون ربا را قرض الحسنه می‌نامند؟
- ب - چه نتایجی برای قرض الحسنه بیان شده است؟
- ۳- چه انگیزه‌ای سبب می‌شود برخی بتوانند به راحتی زکات، خمس و مالیات خود را پردازند ولی برای برخی دیگر سخت باشد و از این وظیفه‌ی دینی سرباز بزنند؟
- ۴- نمونه‌هایی از کارهای کاذب را نام ببرید و تأثیر آن را بر اقتصاد جامعه توضیح دهید.